

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

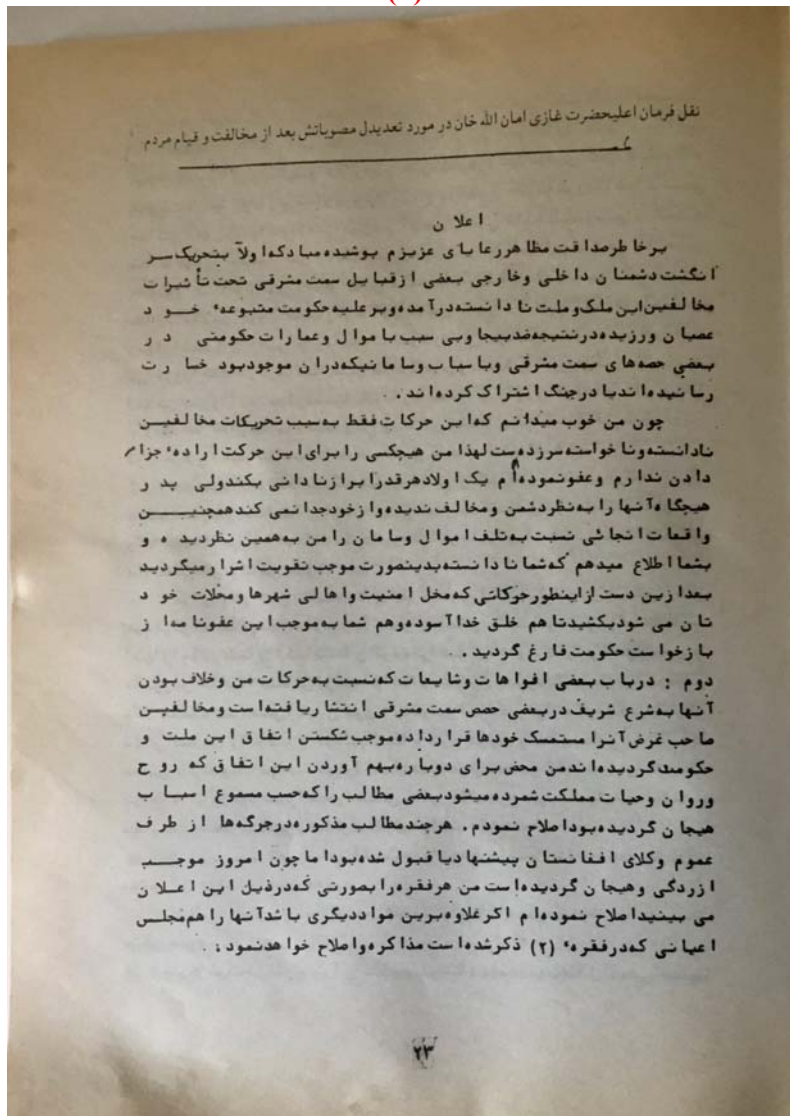
سیاسی

فرستنده: استاد اکبر قریشی

۰۷ اپریل ۲۰۲۵

یادداشت: کتاب "اسناد و نامه های افغانستان" را که زحمت گردآوری آن را "شهرت ننگیال" متقبل شده است، از آن جانی که با خواندن آن بخشی از تاریخ افغانستان روشن می شود، خدمت شما خوانندگان عزیز در چندین قسمت تقدیم می دارم، امیدوارم مورد علاقه و دلچسبی شما بزرگواران قرار بگیرد. اکبر قریشی

(۴)



۱- مشهور شده است که من نمودبالله منهادرا احترام به خیرالمشرعلیه افضل
الملوات واکمل التحیات کمی کرده ام ثم نمودبالله منها . من ازین
خبر آنقدر متأسر و غمگینم که از هیچ چیز دیگر در دنیا غمگین نخواهم شد منکه
هر وقت در نماز و خارج نماز درودها بروح برفتوح حضرت سرور کائنات مسی
خوانم چطور میتوانم که در احترام آنحضرت صلی الله علیه وسلم ادنا نشانه
بخط خود را بدهم . من به ملت عزیز خود تسلطی و اطمینان میدهم که من
محبت و احترام رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) را سرمایه ایمان و
سعادت دارین خود دانسته و شرط اول صادق بودن بکلمه «لا اله الا الله محمد
رسول الله» را احترام و محبت به حضرت ختمی مرتبت میدانم این اقوا هات
بی سر و پا فقط از طرف مخالفین صاحب غرض و دشمنان این ملک و ملت
اسلامی نشرو تابع میشوند مثلیکه بارها به شما یادآوری کرده ام باز شما
خبر میدهم که از مکاید و فتنه و شرارت این دشمنان مملکت غافل نبوده و بر
قول هر کس اعتماد نکنید تا موجب تفرق کلمه ملت نشوید .

۲- (به تجربه پیوسته است که پیشنهاداتی را که وکلای ملت در جرگه ها قبول
میکند یا زهم علمای آن اعتراض می نمایند سبب آن بوده است که در زمره
وکلای علمای مردم انتخاب نکرده بودند اگر چه برای انتخاب علمای هیج
ممانعتی از طرف من نبوده است) .

برای رفع این نقیصه چنان چاره سنجیده شد که یک مجلس دایمی در
خود مرکز که اقلاً پنجاه نفر عضو داشته و از علمای منتخب و مشهور (که انتخاب
آنها را سایر علمای افغانستان کرده خواهند بود) و سرداران و خوانین و
ما مورین صاحب اختصاص مرکب خواهد بود تشکیل میشود تا هر چیز را که مجلس
وکلای فیصله کند مجلس اعیان فوق الذکر نیز آنرا غور خواهد کرد مخصوصاً اطراف
دینی مسایل را تا تمام مطابق احکام شرع شریف و مذهب حنفی باشد . تا
مجلس هذا تصویب موادمذکور را ننماید در معرض تعمیل گذاشته نخواهد شد .
در نظامات موجوده نیز آنچه را مجلس مذکور خلاف شرع شریف ببیند اصلاح
نمایند . اعضای مذکور معاش معقول خواهند داشت .

۳- قبل ازین نیز تقرر مدعی العموم را در نظر داشتیم چنانچه نظامنامه آن
به شورای دولت ساخته شده بود .

حالا که آنرا ملت مطالبه میکند تقرر آنها را تحت یک نظام معین
منظور نمودم .

۴- دخترها شیکه در خارج برای تعلیم فرستاده شده اند بخیال بعضی ها

رسیده است که آنها به مالک غیر اسلامی فرستاده شده اند تا او کلا آنها
در مالک غیر اسلامی شرفته فقط در ترکیه برای تحصیل طبابت مخصوص زنان
که در وقت ضرورت زنهای مسلمان مجبور به علاج از طرف طبیب های مسرد
نباشند ارسال گردیده اند مکتبی را که آنها در آن درس میخوانند خود مسن
با لغات دیده ام مکتب مذکور در ترکیه مخصوص تعلیم زنهای طالبات
مذکوره به زیرنگرانی خصوصی عمیل سفیر افغانی در آنقره غلام حیلانی خان
پسر سه ساله مرحوم غلام حیدرخان چرخ میباشند برای مشارالیهها
تعلیمات مخصوصی داده شده است که مراقبتی که برای طالبات با عفت و با
عصمت افغان لازم است بر آنها داشته باشد.

چون این مسئله در نظر عموم سوء تلقی شده است و گمان میکنند که آنها
در مالک اروپا بصورت ها شبکه برای خانمهای افغانی نامناسب است
امرا حیات میکنند لهذا محض ممانعت از سوء تفهیم و نیز تشتت و تفرق کلمه
ملت آنها را پس خواستیم.

۵- نظریه من در باب علمای دیوبند که ورود آنها را در افغانستان ممنوع
قرار داده بودم بجهت آن بود که از خود موافقت دیوبند ضروری ملحوظ نبود
بلکه بعضی از دارالعلوم مذکور بنا بر نابلدی احوال این
مملکت الهی غرض ما حجب غرضان گردیده بنام تعلیم یافته دیوبند و
نشر مذاهب و مسائل مختلفه مثل قادیانیه درین مملکت نمودن و جدت ملی
و مذهبی افغانستان را اخلال می نمودند. لهذا جلوگیری از آن تده بود.
چون این مسئله هم موجب آزدگی و سوء تلقی گردید من منظور نمودم
که من بعد علمای دیوبند با شهادت نامه دارالعلوم مذکور به افغانستان
مثل سایر علمای دیگر وارد شده بتوانند.

۶- قبیل ازینهم چنانچه مجلس علمای قندهار نیز اعتراف دارند در ماده
۲۰۴ الی ۲۰۸ نظامنامه جزای عمومی بای رشوت مجازات تعیین شده
است.

حالا نیز دقت مخصوص برای اجرای جزای مرتکبین آن خواهم کرد. و
چون مدعی العموم ها حسب ماده ۳ تعیین میشوند آنها نیز مراقبت خواهند
کرد.

۷- در مسئله ستر در لنوی جرگه امساله چنان فیصله شده بود که حکومت اشخاص
و طوایفی را که مثل کوچیها و غیره عادت به برقع و سترند ارندا جبار به
پوشیدن برقع نکنند و نیز شهری را که مجبور برقع حجاب نماید. من نیز

همین مقررات جرگه را عیناً تعمیل و بسروی می‌کردم تنها به موجب فتوای
بعضی علما که به استناد آیه کریمه (ولا یبدین زینتھن الا ما ظہر منھا) جواز
داده بود فقط چند نفر دست و روی خود را نمی پوشیدند .

چون بعضی مخالفین صاحب غرض این مسئله را بزرگ نشان دادند که
گویا من جبراً روی خانمها را برهنه ساختام و همچون تولید سوء تفهم نموده
است و بدلتقی گردیده من تماماً ممانعت نمودم که هم‌انقدر دست و روی را
نیز برهنه نمائند و موی های خود را نیز قطع نکنند و نکرده اند .
۸- (تدریس به شرط شهادت نامه مشروط گردیده بود ، مقدمین بود که اینکارها
نیز به اهل آن سپرده شده هر کس تحت نام مدرس موجب گمراهی مردم نشود ،
شرط شهادت نامه تدریس برداشته شد .

۹- (اخذ عسکر که از روی نفوس کرده میشود و برای قرعه عسکری نفوس شماری
گردیده تذکره داده میشود بمقدمان بود که تمام افراد ملت به خدمت عسکری و
حفاظت مملکت خود قیام داشته و شامل باشند .)

چونکه اهالی به آن راضی نیستند آینده نفوس شماری و توزیع تذکره
را موقوف کرده اخذ عسکری بصورت قومی از روی تقسیم کرده خواهد شد .

۱۰- (در خصوص جزای شراب نوشی مخالفین و صاحب غرضان چنان اشاعت داده
اند که حکومت بقصد از جزای شراب نوشی اغماض میکند حالانکه خود من بالذات
ازین مضرت عظمی جلوگیری به هر رنگ کرده و احکام و اوامر منظمات موجوده
بشدت تمام جزای شراب خواران را حکم نموده است .)

حالا چون محتسبین منظور شدند هر کسی را که محتسبین به این جنایت
گرفتار بیایند البته سزا میدهند و خود من هم بالذات آنرا مراقبت جدی می
کنم که دربارخواست آن تساهل نشود .

۱۱- (در باب محکمه احتساب حکومت غفلت نکرده ولی برای اینکه خسود
احتساب هم با شرایط و ارکان اجرا شود ضرورت تالیف یک کتاب بزبان
فارسی بوده است . چنانکه کتاب مذکور در زیر تالیف است .)

در هر حکومتی یک محتسب منظور شد که تمام اوامر و نواهی شریعت را
دقت کرده شرعاً جزا بدهد و تا تعیین صورت انتخاب محتسب فوری از طرف خود
علمای محلی بکنفر که اهل این کار باشند انتخاب شود منظور است که بموجب احکام شرعی
در مسایل تعمیل اوامر و نواهی دقت و مراقبت کند و مطابق شرع شریف جزا
بدهد .

۱۲- (در باب تعطیل جمعه به پنجشنبه نظریه من این بود که به سبب تعطیل و

رخصتی ما مورین و طلبه در روز جمعه اکثر خارج شهریدیکرا مور مشغول بوده و به صلوات جمعاً رخصتی شدند چون رخصتی جمعاً به جنبه تبدیل شد نگرانی مذکور همه به صلوات جمعاً مرتباً خا شرمی شدند و این تبدیل هم بموجب فتوای علما ندکه در روز جمعه کار کردن را جایز دانستند و بساعت نماز تمام یولیس ها بمثل محبتی ما مور بودند که دکاندارها و تمام مسلمین را برای ادای صلوات جمعاً به مساجد سوق بدهند.

چون این مسئله هم اسباب آزردهگی بعضی ها گردید رخصتی پنجشنبه پس بروز جمعاً تبدیل نمودن را منظور نمودم و بروز عرفه نیز من بعد تعطیل خواهد بود.

۱۳- نسبت به برقع چین دار نیز که به برقع قندهاری یا شامی تبدیل آن مناسب دیده شده بود.

فید مذکور را لغو نمودم هر زن میخواند که جادری چین دار نیز بیوشد ولی لباس اروپائی نیابد پوشید.

۱۴- در باب مریدی و پیری نظریه من چنان بود که تنها عسکریها (افسر و سپاهی) باید در وقت مرید شدن از من اذن بخوانند که ما مردم). چون این مسئله چنان تعبیر شده است که که من قطعاً پیری و مریدی را منع نموده ام لهذا من شرط استیذان را که محض برای نظا میها بود نیز لغو نمودم.

۱۵- در باب منع ازدواج طلبه که دوره تحصیل خود را پوره نکرده باشند فکر این بود که تا هل مانع تکمیل تحصیلات شان میشود.

حالا که این مسئله هم درست فهمیده نشد این قید را نیز برداشتم.

۱۶- مکتب مستورات به فتوای علما تأسیس شده بود.

ولی در حال تا مجلس و کلا و مجلس اعیان مندرجه ماده (۲) که ترتیب صحیح آنرا میسر زنده مشغول تنظیم آن شوند معطل باشد. همچنان ریاست حمایت نموان.

۱۷- منع قرض برای آن بود که موجب دعای زیاده و موجب پیش خورگی و خسارات ما مورین دولت میشد و بعضی ما مورین یک گونه صرف نفوذی هم در گرفتن قرض می نمودند.

چون اینهم سوء تلقی گردیده است معانعت آنرا االفا کردم.

۱۸- در باب لباس چنان فهمیده شد که این حکم برای هر کس و جبری بود است. این حکم تنها برای شهر کابل بود نه افغانستان.

چون این مسئله موجب رحمت و آزرده‌گی مردم دیده شد منظور نمودم که: قید لباس برای عموم رعایا نباشد و به هر طرز و قسمی که پوشاک جائز شرعی بپوشند و استعمال کنند جایز است.

بعدا زین همه ایضا حیات و اصلاحات و رفع شکایات میخواهم به شما واضح و صریح بگویم که مقصد من از تجویز این تعدیلات شخص خودم نیست من اهمیت به پادشاهی خود نمی دهم بلکه مقصدم با زمحض خدمت به ملک و ملت عزیز خودم و بدین واسطه تحصیل رضای الهی جل جلاله است.

اگر مردم میگردانند در اتفاق ملت و دولت خود انداخته اند با وجود

خواندن این اعلان دست از مخالفت نکشند مسئولیت نتایج و خیم و اسفناکی

که بخودشان میرسد و بدولت میرسانند در دنیا و آخرت بدمه خودشان خواهد

بود. آنها نباید چنان فکر کنند که ما بدولت ضرر رسانیدیم بلکه این ضرر و

خسارت عیناً عاید بخودشان به ملتشان و به مملکتشان و به عالم اسلام

است. چنانچه من هم ضرر و خسارت بسیار زیاد به این گونه مردم که سر

مخالفت بلند کرده اند رسانیده میتوانم ولی تا حال هیچ تعرض به ایشان

نکرده ام بلکه هر جا حمله و تجاوز از طرف آنها بوده است سبب آنهم این است

که من خسارت آنها را عیناً خسارت خود میدانم مسلمان کشی و تباهی اسلحه

و جبهه خانه که برای دفع شرکفار تهیه شده بود من هیچگاه رو دادار نیستم لهذا

هر چه در باب تملی شکایات ممکن بود چنانچه درین اعلان دیدند نمودم.

در آخربایات کریمه قرآن عظیم که میفرمایند:

و اعصموا بحبل اللہ جمیعاً و لاتفرقوا و اذکروا انعمت اللہ علیکم اذ

کنتم اعداء فالربین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا . ولا تکنوا کافرا .

لذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البیات (پاره ۴)

و ان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما . فان بفت

احدیهما علی الاخری فقاتلوا الی تفتی حتی تفتی الی امر اللہ . .

انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بینهما و اتقوا اللہ . سوره حجرات

باایها الذین آمنوا اذا ضربتم فی سبیل اللہ فتبینوا و لاتقولوا

لمن القی الیکم السلام لست مؤمناً (پاره ۵) . و من یقتل مؤمناً متعمداً

فجزاءه جهنم خالدافیهما و غضب اللہ علیه و لعنة و عدله عذاباً عظیماً . (پاره

۵ رکوع ۹)

یادآوری می نمایم (من تا امروز هر چه کرده ام برای ترقی شما ملت و به

نیت خیر شما بوده است . هیچگاه آرزو نداشتم و ندارم

که خلاف دین اسلام و شرع شریف کار بکنم . حالاهم برای

برداشتن تفرق و اختلاف یک دقیقه اولشرمطالسی را
که سو تفاهم واقع نموده است بصورت های فوق اصلاح
شعور را منظور نمودم. امضاء

امان الله

از طرف علمای عظام و سردار

صاحبان فخام و خوانین گرام

دارالسلطنه کابل

برادران با غیرت ملت افغانستان !

چون بنا بر سو تفاهم که در بین قطعه ملت و دولت افغانستان نظیر
به اجرای بعضی مسایل واقع شد که آنهم اکثریت از تصویب مجلس لویه جرگه
ملت بود و نتیجتاً اجرای آن مسایل موجب هیجان بعضی اقوام سمت مشرقی
و غیره گردیده که بدبختانه در اکثر نقاط معامله به حرب و جنگ انجام مید.
این خدمتگاران دین مبین حضرت سید المرسلین صلی الله علیه
وسلم و فداکاران ملت نجیبه افغانستان از این اختلاف مابین حکومت و ملت
که نتیجه بجز خساره ابدی که تلافی نفوس جوانان رشید این ملت، بسو ل ۶
بیت المال و کارشوس و ادوات حفظ وطن از اغیار چیز دیگری نبوده و حالت
حاضره تأسف آور ما ضد عمل را بر آیه کریمه (و اعصموا بحبل الله جميعا
ولا تفرقوا) نشان میدادمتأثر شده بیانیته فوق که از حضور ذات شاهانه به
این خدام دین و دولت قرائت شد که مل موجب اطمینان دیده لهذا بوظیفه
ایمانیه خودها بموجب آیه شریفه (وان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا
فاصلحوا بینهما) عمل نموده بعد از اینکه اعلان پادشاهی با تعهد ذاتی
آن به تردید و مطرودیت مسایل مذکور که ظاهراً موجب اضطراب ملت دیده می
شود ما در شد شرعاً و ایماناً و عقلاً این قیام و دوام مخالفت آنها را بر علیه
حکومت جائز ندانسته هدایت شرعی و اسلامی میدهیم بر اینکه چون هیچ
شبهه شرعی را از طرف خود و شما ملت بعد از نشر اعلان هذانمی بینیم که سباب
نزاع ملت با حکومت باشد می باید اطاعت پادشاه خویش را مطابق به آیه
عظیمه (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) نموده مملکت و
ملت را از این خساره و تلفات جانی و مالی و خجالت دشمنان خارجی و ارها
نیدتا موجب خسران دنیا و آخرت شما نشود. یوم پنجشنبه ۲۸ شهر رجب
المرجب سنه ۱۳۴۷ هجری قمری . امضای علمای روحانیون و بزرگان اقوام

فرمان نقرر ملا میر ولی بسرکردگی طایفه لنده خیل وردگی

حکم آصف علی
آمره حکام و عمال و درویش

امیدوار جهان فیه دست کرد در سو فیض از جمله اولاد

کافور شاد و سولای بدلی طایفه لنده خیل خان خند سو

بعید و اینهم ملد میر ولی مقرر فرموده اند لذا که اولاد

رضی الله عنکم حکم آصف علی نام فیه سو ملک ما الله تعالی

طایفه نر بورد است احد از درجی، طایفه نر از درجی و صلح

برون نوبت و مالیت که روز فرزند است در نوبت

Handwritten notes and signatures on the right side of the page, including a circular seal with a portrait.

در کتاب

مبلغ آنکه مناصف آن یک روز پس از این

از بابت این کار نیز و منگی مدتی زمان

قرار تحصیل مکتوب بد معرفت شد بدین حال عمل نماید

بده است نقداً شش سال بنگ صدوق خانه

ابو اجمعی نیز اعظم چون صدوق در اگر دید صحیح است

تقریر فی یوم شنبه ۲ شهر رجب ۱۲۲۰

تکلیت مالیه سنه (۱۲۲۰) هجری قمری